

## مطالعه آسیب‌های مربوط به تمامیت جسمانی از دیدگاه آسیب اجتماعی‌شناسی\*

رحیم نوبهار\*\*

دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

اسماعیل انصاری

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۱۹ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۳/۲۸)

### چکیده

در جوامع مدرن امروزی سیاست‌گذاری‌های نامناسب اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مایه گسترش آسیب‌های بدنی شده‌است. سیاست‌گذاری‌های عمومی نادرست می‌تواند مایه افزایش جرایم عمدی علیه تمامیت جسمانی مانند قتل، خودکشی و سقط جنین شود. این سیاست‌ها همچنین می‌تواند ارتکاب آسیب‌های غیرعمدی جسمانی علیه اشخاص مانند آسیب‌های مربوط به ایمنی، مصرف کالا و خدمات معیوب، آلودگی محیط زیست و حوادث رانندگی را افزایش دهد. در این میان، حقوق کیفری در مواجهه با آسیب‌های جسمانی رویکردی دوگانه دارد. حقوق کیفری در آسیب‌های میان‌فردی و جزئی که احراز رابطه استناد به سادگی امکان‌پذیر است، مداخله می‌کند. اما از موارد کلان و کلی که رابطه مستقیم میان فعل و آسیب وجود ندارد به سادگی می‌گذرد. آسیب اجتماعی‌شناسی اما در مقایسه با حقوق کیفری رویکردی کل‌نگرتر نسبت به مسائل اجتماعی دارد. این رویکرد با آن که مداخله حداکثری حقوق کیفری را به مثابه آسیب می‌داند، به موضوعاتی که حقوق کیفری به آنها توجه نمی‌کند، می‌پردازد. آسیب اجتماعی‌شناسی به جای تاکید بر کیفر، اصلاح ساختارهای اجتماعی و رویه‌ها را برای پیشگیری از آسیب‌ها پیشنهاد می‌دهد. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکردی انتقادی به موضع حقوق کیفری، آسیب‌های جسمانی وارد به افراد در نتیجه سیاست‌گذاری‌های عمومی را در دو حوزه آسیب‌های جسمانی عمدی و غیرعمدی از چشم‌انداز مطالعات آسیب اجتماعی‌شناسی، مطالعه می‌کند. مقاله با تشریح کاستی‌های نظام حقوقی ایران در برخورد با این آسیب‌ها بر ضرورت توجه نگاه کل‌نگر به آسیب‌های اجتماعی، لزوم مداخله دیگر نهادهای اجتماعی در کنار نظام عدالت کیفری و بهره‌گیری از پاسخ‌های اجتماعی تاکید می‌کند.

### کلید واژگان

آسیب اجتماعی‌شناسی، آسیب جسمانی، اسطوره جرم، انسانی‌سازی حقوق کیفری.

\* این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده دوم با عنوان «آسیب اجتماعی‌شناسی و حقوق کیفری» با راهنمایی دکتر رحیم نوبهار در دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی است.

\*\*rnobahar@gmail.com

## مقدمه

امروزه سیاست‌ها و برنامه‌های دولت‌ها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در وقوع آسیب‌ها اثر می‌گذارد. از این‌رو، مطالعه آسیب‌های ناشی از سیاست‌ها و برنامه‌های دولت‌ها اهمیت بسزایی در سیاست‌گذاری‌های کیفری یافته است. در این میان، یکی از رشته‌های مطالعاتی انتقادی که در کنار مطالعات جرم‌شناسی و فراتر از آن، بر آسیب‌های ناشی از فعالیت‌ها و سیاست‌های دولت و اشخاص حقوقی تأکید می‌کند، آسیب اجتماعی‌شناسی<sup>۱</sup> است.

آسیب اجتماعی‌شناسی یا زمیولوژی رشته‌ای است که افعال یا ترک افعال افراد، سازمان‌ها، حکومت‌ها و اشخاص حقوقی که سبب ورود آسیب شده‌اند یا احتمال آسیب‌زندگی در آینده را در سطوح مختلف فردی، محلی، اجتماعی و جهانی دارند، مطالعه می‌کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۹: ۱۳۸۹؛ Hopkins Burke, 2009: 213-14; Hopici, 2016: 44). در دیدگاه آسیب اجتماعی‌شناسی، جرم و آسیب با یکدیگر همسو نیستند، زیرا آنچه به‌عنوان بزه تعیین می‌شود، ضرورتاً سبب ورود آسیب نمی‌شود. همچنین برخی رفتارها و سیاست‌هایی که ضرورتاً سبب ورود آسیب‌های جدی و شدید می‌شوند، جرم نیستند.

نوع نگاه به آسیب جسمانی تحت تأثیر رویکردهای مطالعاتی آسیب اجتماعی‌شناسی تغییر کرده است. از دیدگاه آسیب اجتماعی‌شناسی، آسیب جسمانی به کلیه صدماتی اطلاق می‌شود که بر جسم و روان انسان وارد می‌شود و راه دستیابی به زندگی سعادت‌مندان را برای وی دشوار می‌سازد (Pemberton, 2016: 28). همچنین، در سطح کلان در صورتی که در نتیجه عدم دسترسی به خدمات بهداشتی و پزشکی، مسکن مناسب و حداقل درآمد یا به علل نژادی، مذهبی، ملیتی و طبقه اجتماعی آسیب جسمانی به اعضای جامعه وارد شود (راغفر و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷۳) یا در نتیجه تغییر سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سلامت جسمانی و روانی اعضای جامعه به خطر افتد، باید به آن به‌عنوان یک آسیب جسمانی نگریست. در واقع، نقش سیاست‌های عمومی در وقوع آسیب جسمانی از دو چشم‌انداز قابل بررسی است: نخست، سیاست‌هایی که زمینه‌های افزایش جرایم عمدی علیه تمامیت جسمانی مانند قتل، خودکشی و سقط‌جنین را افزایش می‌دهند؛ دوم، سیاست‌هایی که به‌طور مستقیم در ایجاد آسیب‌های جسمانی نقش ندارند، اما ورود آسیب را به دلیل بی‌تفاوتی نسبت به نتایج آن در آینده به‌طور غیرمستقیم تسهیل می‌کنند.

در این میان، گسترش قلمروهای نظام عدالت کیفری، غیرانسانی بودن، هزینه‌زا بودن و عدم قابلیت ابزارهای آن در کنترل جرایم سبب شده است تا آسیب اجتماعی‌شناسی، بر اتخاذ واکنش‌های سیاستی<sup>۲</sup> پیشگیرانه به‌جای مداخله حقوق کیفری در کاهش آسیب‌های جسمانی

۱. آسیب اجتماعی‌شناسی یکی از رویکردهای انتقادی به جرم‌شناسی است که فعالیت‌های خود را از دهه ۱۹۶۰ به این سو شروع کرده است؛ رویکردی که گذر از جرم‌شناسی را با طرح مفهوم آسیب یا صدمه اجتماعی به‌جای جرم دنبال می‌کند (برای مطالعه بیشتر در این خصوص رک: نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۹: ۱۴؛ نجفی ابرندآبادی، ۹۱-۹۲-۲۲؛ نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵: ۹۴۱؛ نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵: ۲۲-۲۱؛ شمس ناتری، شهریاری، ۱۳۹۴: ۳۲۷).

تأکید کند. می‌توان گفت روش بسیار مؤثر و مقرون‌به‌صرفه برای مقابله با مسئله آسیب جسمانی، پیشگیری از وقوع آن است (Garner QC MP, 2006:72). از این‌رو، بر تدوین و اجرای سیاست‌هایی مانند سیاست‌های آموزشی، اشتغال‌زایی، فقرزدایی، تهیه مسکن، ایجاد رفاه اجتماعی و اقتصادی در کاهش آسیب‌های جسمانی تأکید می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۶۱). مداخله‌های پیشگیرانه با رعایت کرامت انسانی،

مداخله‌های گسترده اجتماعی، اقتصادی و سیاسی<sup>۱</sup> و بها دادن به اصول عدالت اجتماعی صورت می‌گیرد.

در سال‌های اخیر، با افزایش آسیب‌های ناشی از سیاست‌های عمومی، نظام حقوقی ایران نیز به این آسیب‌ها توجه کرده و به‌صورت موردی به راهکارهای جبرانی روی آورده است. ماده ۱ و بند «د» ماده ۴ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۳/۰۲/۲۱ بر حمایت از افراد جامعه در برابر رویدادهای اقتصادی و اجتماعی تأکید می‌کند. تبصره ۲ ماده ۱ نیز آثار و تبعات منفی احتمالی ناشی از اقدامات و سیاست‌های دولت را از مصادیق رویدادهای اقتصادی و اجتماعی می‌داند. در این میان، آسیب‌های جسمانی را می‌توان به‌عنوان یکی از پیامدهایی منفی ناشی از تصمیمات و اقدامات دولت‌ها در نظر گرفت که کمتر در مطالعات جرم‌شناسی بدان توجه شده است. از این‌رو، یکی از ایرادات آسیب اجتماعی شناسی به جرم‌شناسی، بی‌توجهی به آسیب‌های جسمانی ناشی از سیاست‌های عمومی است. اینکه چگونه سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زمینه‌های بروز آسیب جسمانی اعم از عمد و غیرعمد در جامعه را فراهم می‌آورند و حقوق کیفری چه رویکردی در مواجهه با این آسیب‌ها می‌تواند اتخاذ کند، پرسش‌هایی هستند که آسیب اجتماعی شناسی درصدد پاسخگویی به آنهاست.

این نوشتار با رویکردی تحلیلی-انتقادی اهمیت حمایت از تمامیت جسمانی افراد در مقابل آسیب‌های عمدی و غیرعمدی با رویکرد مطالعات آسیب اجتماعی شناسی را توضیح می‌دهد و با تحلیل برخی از داده‌های موجود به تبیین سیاست جنایی ایران در برخورد با آسیب‌های جسمانی ناشی از سیاست‌های عمومی می‌پردازد. به این منظور بخش نخست مقاله مبانی رویکرد آسیب اجتماعی شناسی به مقوله آسیب و چگونگی مواجهه با آنها را تبیین می‌کند. سپس در بخش دوم، برخی گونه‌های آسیب‌های جسمانی عمدی بررسی می‌شود. بخش سوم نیز به تحلیل آسیب اجتماعی شناسی برخی از گونه‌های آسیب‌های جسمانی غیرعمدی می‌پردازد.

### 1. A Broader Constellation of Social, Economic and Political Interventions

۲. یکی از نمایندگان در مخالفت با تصویب این ماده قانونی گفته است: «این بند اجازه می‌دهد که هر مراجعه‌کننده‌ای بتواند مدعی شود که برخی از مأموران دولتی اقداماتی کرده‌اند که آن اقدامات برای آنها آثار و تبعات منفی ذهنی و یا عینی ایجاد کرده است. علاوه بر آن، اصولاً اندازه‌گیری آثار و تبعات منفی، کار بسیار مشکلی است، با چه شاخصی، به چه صورت شما می‌خواهید وقتی کسی مدعی شد که به‌واسطه فلان اقدامی که صورت گرفته است متضرر شده‌ام، آن را اندازه‌گیری و جبران بکنید؟» (معاونت حقوقی و امور مجلس سازمان تأمین اجتماعی، ۱۳۸۳: ۸۳).

## ۱. مبانی رویکرد آسیب اجتماعی‌شناسی

مطالعات انتقادی حقوق کیفری به‌ویژه آسیب اجتماعی‌شناسی با انتقاد از مفهوم جرم، نظام عدالت کیفری و مجازات‌ها، ایرادات مطالعات جرم‌شناسی را به‌خوبی آشکار می‌سازد، زیرا نظام عدالت کیفری که از یافته‌های جرم‌شناسی بهره می‌برد، به یک صنعت<sup>۱</sup> تبدیل شده است؛ صنعتی که به‌جای اتخاذ تدابیر بی‌طرفانه برای مقابله با آسیب و تحقق عدالت، مانند یک لنز خاص<sup>۲</sup> عمل کرده و آسیب‌ها را به شیوه‌های خاص تعریف می‌کند. از این‌رو، ابزارهای مداخله نیز متناسب با آن انتخاب می‌شوند. این در حالی است که آسیب اجتماعی‌شناسی با طرح مفهوم آسیب به‌جای جرم، بر اتخاذ رویکرد پیشگیرانه تأکید دارد. به‌طور کلی، آسیب اجتماعی‌شناسان فقدان ماهیت هستی‌شناختی جرم، متلاشی شدن اسطوره جرم، انسانی‌سازی نظام عدالت کیفری، ناکارآمدی نظام عدالت کیفری و هزینه‌های سرسام‌آور آن را به‌عنوان علل و عوامل گذار از مفهوم جرم به مفهوم آسیب بیان می‌کنند. در ادامه هر یک از این علل تبیین می‌شود.

### ۱-۱. فقدان ماهیت هستی‌شناسی جرم

در هر کشوری قانونگذار شرایط، ویژگی‌ها و آثار جرایم را مشخص می‌کند. آمارها نیز براساس تعاریف قانونی جرایم تهیه و منتشر می‌شود. بدین‌ترتیب، جرم، واقعیت هستی‌شناختی دارد و ضمانت اجرای آن کیفر است. جرم‌شناس مطالعات خود را در خصوص مفهوم جرم و مجرم متمرکز می‌کند. نظام عدالت کیفری نیز در صورت وقوع آنچه در قانون وصف مجرمانه دارد، واکنش نشان می‌دهد (Hillyard & Tombs, 2004:11).

تعارض منافع گروه‌ها سبب می‌شود گروهی که در موقعیت برتر قرار دارد، رفتارهایی را که تهدیدی علیه منافع آنهاست، جرم‌انگاری کند. از این‌رو، گفته می‌شود: «جرم تعریف رفتار انسان است که توسط عوامل مجاز در یک جامعه سیاسی سازمان‌یافته صورت می‌گیرد...»<sup>۳</sup> این توصیف رفتارهایی است که با منافع بخش‌هایی از جامعه که قدرتی در سیاست‌گذاری‌های عمومی ندارند، در تعارض است (Henry, 2009:303).

بر این اساس، آسیب اجتماعی‌شناسی واقعیت هستی‌شناختی جرم<sup>۳</sup> را رد می‌کند، زیرا اولاً تعریف جرم، براساس سلیق افرادی که آن را تعریف می‌کنند، متفاوت است؛ بنابراین، نمی‌توان تعریفی عینی برای آن یافت (بیکا، ۱۳۸۹: ۲۷)؛ همچنین، آنچه به‌عنوان جرم در قانون تعریف می‌شود، تقریباً خودسرانه و محصول فرایندهای گزینشی است (میرمجیدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷۲-۱۴۵)؛ ثانیاً، سیاست‌گذاران به آسیب‌های فردی بیش از آسیب‌های جمعی و گروهی اهمیت می‌دهند. درحالی‌که زیان‌های ناشی از آسیب‌های جمعی قابل‌مقایسه با آسیب‌های فردی نیست؛ ثالثاً، جرم مفهوم و ماهیتی نسبی در جوامع دارد (عالی‌پور، ۱۳۸۸: ۵۴۵). برحسب زمان و مکان تعاریف مختلف و

1. 'Industry'

2. Specific lens

3. Crime Has No Ontological Reality

متفاوتی از جرم ارائه می‌شود. از این‌رو، آسیب اجتماعی شناسی از یک سو با محور قرار دادن مطالعه آسیب، قلمرو مطالعاتی خود را به مفهوم جرم محدود نمی‌کند؛ به عبارت دیگر، در مطالعات خود به کلیه آسیب‌ها می‌پردازد تا به علت شناسایی آن به عنوان یک آسیب متمایز از سایر آسیب‌ها پی ببرد.<sup>۱</sup> از سوی دیگر، نقش ساختارها را در شکل‌گیری جرم و اینکه تغییر ساختارها و دگرگونی آنها چه تأثیری در شکل‌گیری آسیب‌های جدید دارد، بررسی می‌کند.

## ۲-۱. متلاشی شدن اسطوره جرم

نظام عدالت کیفری انباشته از اسطوره‌هایی است که با اهداف مختلفی ایجاد و بسط داده شده‌اند. در واقع، اسطوره جرم به تصور اشتباه عموم مردم از اینکه چه مسائلی و چه کسانی در جوامع آسیب‌زا هستند، برمی‌گردد. این موضوع همواره مورد مناقشه است که چرا با وجود سیاست‌ها و برنامه‌های کارشناسی شده، جوامع همچنان پایبند اسطوره جرم هستند. مؤسسه مطالعات سیاسی آمریکا<sup>۲</sup> معتقد است که بسیاری از افسانه‌های نظام عدالت کیفری از سوی افرادی تعقیب می‌شود که به دنبال سختگیری در مجازات و توسعه نظام عدالت کیفری هستند. تکنیک‌های اتخاذی عبارتند از: اول، فروش ترس<sup>۳</sup> از طریق دست‌کاری ماهرانه در باورهایی که در نژاد، جنسیت و طبقه ریشه دارند؛ دوم، سرزنش برای عملی که دیگری انجام داده است<sup>۴</sup> از طریق سرزنش افراد و گروه‌ها برای مسائلی که آنها ضرورتاً در وقوع آن نقش ندارند؛ سوم، دشمن‌سازی<sup>۵</sup> از طریق وصف بدی یا شیطانی دادن به افراد یا گروه‌ها برای توجیه تبعیض‌هایی که در رفتار با افراد وجود دارد؛ چهارم، دست‌کاری در داده‌ها<sup>۶</sup> با توصیف و تحلیل جرم به‌صورتی که راهبردهای خاص نظام عدالت کیفری را منعکس و تقویت کند (Garside, 2001: 19). از این‌رو، جفری ریمان از نظام عدالت کیفری به‌عنوان آینه کارناوال<sup>۷</sup> تعبیر می‌کند: «اولاً ما به این باور رسیدیم که نظام عدالت کیفری در برابر تهدیدهای جدی علیه رفاه از ما محافظت می‌کند، در واقع، سیستم تنها ما را در برابر تهدیدات و نه لزوماً مهم‌ترین آنها محافظت می‌کند... فریب دوم... مردم بر این باورند که آینه کارناوال یک آینه واقعی است... آنها معتقدند که هرچه هدف نظام عدالت کیفری است، بیشترین خطر را برای رفاه آنها دارد» (Roberts, 2011: 12).

آسیب اجتماعی شناسی ماهیت اسطوره‌ای جرم را از میان برمی‌دارد، زیرا حقوق را علت جرم

۱. هر چند جنایات بین‌المللی آسیب‌های جسمانی متعددی به افراد در سراسر جهان وارد می‌کند، با این حال این آسیب‌ها جدی تلقی نمی‌شود؛ از این‌رو، جرم‌شناسان نیز کمتر وارد حوزه مطالعاتی جرایم بین‌المللی شده‌اند؛ موضوعی که انتقاداتی به حوزه مطالعات جرم‌شناسی وارد کرده است (برای مطالعه بیشتر رک: نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۶: ۱۹).

2. The US based Political Research Associates (PRA)
3. Fear Mongering
4. Scapegoating
5. Demonisation
6. Data manipulation
7. The carnival mirror

می‌داند.<sup>۱</sup> از نظر جرمی میشل و مورتیمر آدلر<sup>۲</sup> «قانون مجازات، علت رسمی ارتکاب جرم است»<sup>۳</sup> نه به این دلیل که رفتارهایی را که ممنوع است بیان می‌کند؛ بلکه از آنجاکه به برخی اعمال خاص و صف مجرمانه<sup>۴</sup> می‌دهد (Roberts, 2011: 13). توماس مور<sup>۵</sup> جرم را نفی می‌کند و معتقد است: «جرم وجود ندارد» (Ruggiero, 2013: 80). بدین ترتیب، جرم همچون سایه مبهمی است که ما می‌خواهیم به آن چنگ بزنیم؛ قربانگاهی است که براساس جهالت و موهوم‌پرستی انسان‌های بی‌رحم بنا شده است. قربانیان آن افرادی فقیرند و دامنه گسترده‌ای از افراد بداقبال گیر آن می‌افتند. از این رو، در صورتی که حقوق کیفری فقیر را به زندان محکوم کند، به این معناست که در خدمت حمایت و بقای ساختارهای نابرابر در جامعه است و به آسیب‌های شدید و افرادی که مقصر در ایجاد فقرند، توجه نمی‌کند. اعلام جرم در آمارهای رسمی سبب می‌شود دامنه گسترده‌ای از آسیب‌ها مورد توجه حقوق کیفری قرار نگیرد. اگر اطلاعات کافی از سطح واقعی آسیب و قربانیان وجود داشته باشد و بررسی شود که چرا آسیب به وجود آمده است و نقش ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در وقوع آن چیست، به این نتیجه خواهیم رسید که حقوق کیفری امری تهی و پوشالی است.

### ۳-۱. انسانی‌سازی حقوق کیفری<sup>۶</sup>

نظام عدالت کیفری نسبت به انسان رویکردی خشن دارد. کریستی<sup>۷</sup> این نظام را فرایند تحمیل درد و رنج<sup>۸</sup> نامیده است (Hillyard & Tombs, 2004: 16). این نظام ابزاری است در اختیار دولت‌ها و استفاده سیاسی از آن می‌تواند سبب ورود آسیب‌های جسمانی به افراد شود. فرایند تحمیل رنج در نظام عدالت کیفری در چند مرحله صورت می‌گیرد: تعریف جرم، طبقه‌بندی جرایم، اعلام آن، تعیین مصادیق و درنهایت، مجازات<sup>۹</sup> افرادی که مدنظر است. هر یک از این فرایندها آسیب‌های اجتماعی زیادی را پدید می‌آورد که شاید ارتباط کمی با جرم اصلی و خسارت وارد شده داشته باشد. برای مثال، ممکن است به از دست دادن کار، خانه، خانواده یا طرد از جامعه بینجامد. اهمیت موضوع درجایی است که برخلاف آسیب‌های دیگر، در این وضعیت قربانی از دریافت حمایت‌های اجتماعی یا سایر حمایت‌ها محروم می‌شود.

پرسش این است که چگونه نظام عدالت کیفری انتظار حمایت از سوی جامعه را دارد؛ در حالی که از یک‌سو، از ابزارهای غیرانسانی<sup>۱۰</sup> و خشن علیه انسان استفاده می‌کند (Reamer, 2014: 269) و از سوی دیگر، تدابیر آن نتوانسته از آمار جرایم بکاهد، از افراد آسیب‌پذیر حمایت کند و

1. Law is the cause of crime
2. Jerome Michael and Mortimer Adler
3. 'The Criminal Law Is the Formal Cause of Crime'.
4. Quality of criminality
5. Thomas More
6. The Protection of Human Dignity and the Minimisation of Human Suffering
7. Christie
8. 'Pain Delivery'
9. Defining, Classifying, Broadcasting, Disposing and Punishing
10. Dehumanizing

میزان ترس از جرم را در جامعه پایین آورد. در چنین بستری، آسیب اجتماعی شناسی انسانی سازی نظام عدالت کیفری را مطرح می‌کند. بر این اساس، باید محدودیت‌هایی برای ورود نظام عدالت کیفری به اختلافات، شناسایی و نظام‌مند شود. در اینجا است که معیار حداقل سازی آسیب<sup>۱</sup> مداخله نظام عدالت کیفری برای قربانی، شاهدان، بزهکار و سایر افرادی که در فرایندهای آن شرکت دارند، مطرح می‌شود (Loader, 2006: 45). حداقل سازی آسیب مستلزم رعایت کرامت انسانی در جرم‌انگاری- هاست. اصلی که جرم‌انگاری تهاجمی را محدود می‌کند، زیرا به نوعی در تعارض با کرامت ذاتی انسان‌هاست (قماش، ۱۳۹۳: ۲۲۷). از این رو، در جرم‌انگاری‌ها تنها بر حمایت از ارزش‌های بنیادین تأکید می‌شود. نوعی اساسی سازی حقوق کیفری که در آن، حقوق کیفری در سنجه قانون اساسی قرار می‌گیرد تا حقوق و آزادی‌های فردی افراد محدود نشود. نتیجه این امر چیزی جز ایجاد حقوق کیفری انسان‌مدار و کرامت‌مدار نیست (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۳: ۹۹۰). با وجود این، انسانی سازی تنها در قلمرو جرم‌انگاری نیست، بلکه پاسخ‌ها نیز متناسب با آسیب انتخاب می‌شوند. کیفر تنها راهکار نیست هرگاه بتوان رفتار نامطلوب را با اندرز و موعظه یا اقدامی دیگر از میان برداشت (نوبهار، ۱۳۹۳: ۵۶). زیرا هدف، طرد خاطی از جامعه نیست، بلکه اصلاح و ادغام<sup>۲</sup> وی در جامعه است. افزون بر این، کاهش آسیب از طریق پیشگیری بر کیفر ترجیح دارد اگر ابزارهای غیرکیفری به شیوه‌ای بهتر و موفق‌تر قادر به پیشگیری از جرم باشند (هوساک، ۱۳۹۳: ۱۱۱). پیشگیری از طریق اصلاح ساختارهای تولیدکننده آسیب مانند توزیع برابر درآمد و ثروت، محرومیت‌زدایی، رفع تبعیض و براساس رعایت اصل کرامت انسانی صورت می‌گیرد (نیازپور، ۱۳۹۳: ۱۰۶-۱۰۵).

#### ۴-۱. ناکارآمدی نظام عدالت کیفری در کنترل جرایم

نظام عدالت کیفری به خود جرم بیش از علل ارتکاب آن توجه دارد. استفاده از تدابیر قهرآمیز و با ماهیت سرکوب‌گرایانه را راهکاری برای تضمین امنیت بیان می‌کند. در نتیجه، در سیاست‌گذاری‌های کلان به جای اصلاح ساختارهای مؤثر در ارتکاب جرم، افزایش نیروهای پلیس، قضات، دادگاه‌ها و زندان‌ها را دنبال می‌کند. این در حالی است که فرایندهای رسیدگی از شهروندان وقت زیادی می‌گیرد و افراد زیادی را درگیر خود می‌کند. در نتیجه، نظام عدالت کیفری با نوعی بحران مشروعیت<sup>۳</sup> مواجه می‌شود (Fagan, 2008: 124-125). آسیب اجتماعی شناسان، دلایل شکست نظام عدالت کیفری را از یک سو در ناکارآمدی آن در کنترل جرایم و از سوی دیگر در مشروعیت- بخشی به تدابیر کنترل جرم می‌دانند.

از منظر آسیب اجتماعی شناسی نظام عدالت کیفری در کنترل جرم شکست خورده است. با آنکه حقوق کیفری از کلیه ابزارهای قهرآمیز و سرکوبگر برای کنترل جرم سود می‌برد، شاهد افزایش جرایم نهان<sup>۴</sup> در جامعه هستیم. آمار بالای ارتکاب جرایم حکایت از این دارد که نظام عدالت کیفری

1. Minimising the Harm
2. Integrate
3. The crisis of legitimacy
4. Invisible crime

در حال از دست دادن مشروعیت خود در جوامع است، زیرا به عدالت کیفری نه به‌عنوان ابزار تأمین عدالت، بلکه به‌عنوان ابزار کنترل نگاه می‌شود که در اختیار صاحبان قدرت است. لسی<sup>۱</sup> در این خصوص گفته است: «در جامعه‌ای که مردم به‌طور متفاوت از سوی حقوق کیفری محکوم می‌شوند و اینکه فاکتورهایی مانند نژاد، قومیت، ملیت، طبقه، جنسیت و سن علاوه بر تأثیر چشمگیری که به‌طور کلی در برخورداری از شانس‌های زندگی دارند در باورهای رسمی و غیررسمی مردم در پیش-دآوری از کسانی که حقوق کیفری را نقض کرده‌اند نیز نقش دارد، اثر نظام عدالت کیفری در معنای واقعی آن، ایجاد نابرابری است» (Garside, 2006: 32).

نظام عدالت کیفری با منطق فردی‌سازی مسئولیت<sup>۲</sup> افرادی را که به‌شدت از نابرابری<sup>۳</sup>، طرد<sup>۴</sup> و در حاشیه ماندن<sup>۵</sup> رنج می‌برند، مسئول اعمال خود می‌داند (Copson, 2016: 76). از این رو، آسیب اجتماعی‌شناسی برخلاف جرم‌شناسی که در مطالعه مجازات زندان، به آسیب‌های دوران محکومیت و پس‌از آن می‌پردازد، آسیب‌ها را با توجه به علل محکومیت به زندان بررسی می‌کند: اینکه آیا زندانی پیش از زندان با محرومیت و نابرابری‌های اجتماعی روبه‌رو بوده است و آنها چه اثری در زندگی فردی وی گذاشته‌اند؟ آیا در دوران محکومیت همچنان از آنها رنج می‌برد؟ آیا پس از زندان، ساختارها به‌گونه‌ای تعریف شده است که فرد دیگر در چنان موقعیت‌هایی قرار نگیرد؟ در کلیه این موارد، به خود بزهکار به‌عنوان یک قربانی نگاه می‌شود، کسی که قربانی نابرابری‌ها<sup>۶</sup> شده است و هدف، پیشگیری از مرگ اجتماعی وی است (Moore, 2014: 16-17). افزون بر این، در این مطالعات بیش از آنکه بزهکار هدف مطالعه باشد، جایگاه اجتماعی مجازات حبس در میان سایر نهادهای اجتماعی بررسی می‌شود. بدین‌سان، در صورتی که هدف از سیاست‌های عدالت کیفری افزایش امنیت در جامعه باشد، باید اذعان کرد که تأمین امنیت و کاهش آسیب از طریق اجرای سیاست‌های پیشگیری مانند افزایش برابری‌های اجتماعی به‌دست می‌آید. افزون بر این، دولت‌ها از طریق عدالت کیفری به تدابیر کنترل جرم، مشروعیت می‌بخشند. این مشروعیت‌بخشی به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم صورت می‌گیرد. از یک‌سو، از آنجاکه وظیفه تأمین امنیت در جامعه بر عهده دولت‌هاست، هر ساله در بودجه‌های عمومی مبالغی برای ارتقای کیفیت ابزارهای کنترل جرم پیش‌بینی می‌شود. از سوی دیگر، دولت‌ها از مؤسسه‌های مطالعاتی در خصوص طراحی ضد جرم با اختصاص بودجه حمایت می‌کنند (اکلوم، ۱۳۹۴: ۵۰۸).

در سال‌های اخیر، سیاست‌های گسترش مداخله حقوق کیفری با فعالیت‌های اقتصادی اشخاص حقوقی عجین شده است. در واقع، جرم‌انگاری یک بازار اقتصادی بزرگ را برای شرکت‌های داخلی و بین‌المللی به‌وجود آورده است. کالاها و خدماتی که در این بازارها عرضه می‌شود، حسب نوع جرم و

1. Lacey
2. Individualising logic of criminal justice
3. Inequality
4. Exclusion
5. Social marginalisation
6. Victims 'inadequacies'



مشتریان، تنوع دارد؛ بنابراین، افزایش جرایم در جامعه، افزایش مشتری و کسب سود بیشتر را در پی دارد. مقوله امنیت به سوژه مناسبی برای شرکت‌های تولیدکننده ابزارهای پیشگیری از جرم و کسب درآمد تبدیل شده است. درواقع، نوعی مسابقه تسلیحاتی بین فعالان در این حوزه به‌منظور طراحی، تولید و به‌کارگیری محصولات پیشگیری از جرم به وجود آمده است (اکلوم، ۱۳۹۴: ۵۰۵). تولید جرایم جدید، محرک‌های بازاری خوبی به شمار می‌آیند. هرچه جرم فنی‌تر و تخصصی‌تر باشد، ابزارهای پیشگیری نیز فنی و تخصصی می‌شود. رشد فناوری به این رقابت دامن می‌زند. همچنان که دولت‌ها ابزارهای پیشگیری را توسعه می‌دهند بزهرکاران نیز، ابزارهای مقابله با آنها را طراحی می‌کنند. بدین ترتیب، این رقابت، ماهیتی دائمی و پایان‌ناپذیر دارد.

#### ۵-۱. توجه به هزینه‌های جرم

نظام عدالت کیفری برای مبارزه با پدیده بزهرکاری، همه‌ساله برنامه‌های خاصی را اجرا می‌کند. این برنامه‌ها با توجه به ماهیتشان، هزینه‌های مختلفی برای جامعه دارد. بدین ترتیب، فریه شدن نظام عدالت کیفری به معنی افزایش هزینه‌هاست. آسیب اجتماعی‌شناسان معتقدند دولت‌ها امکانات مادی و انسانی گسترده‌ای را برای کنترل جرم اختصاص می‌دهند و افزایش میزان جرایم را دلیل مشروعی برای توسعه دامنه سازوکارهای کیفری، پلیسی و افزایش بودجه دستگاه‌های عدالت کیفری می‌دانند (Hillyard & Tombs, 2004: 17). پرسش این است که آیا همه منابعی که به نظام عدالت کیفری اختصاص می‌یابد ضروری است و آیا راه استفاده بهتری برای صرف این منابع وجود ندارد؟ (هوساک، ۱۳۹۰: ۲۳). براساس تحلیل هزینه‌های جرم، می‌توان گفت درجایی که رویارویی با یک رفتار از راه‌هایی دیگری جز جرم‌انگاری سودمندتر باشد، جرم‌انگاری مجاز نیست (نوبهار، ۱۳۹۳: ۴۷). آسیب اجتماعی‌شناسی با توجه به هزینه‌های جرم‌انگاری به‌جای آن بر توسعه مسئولیت اجتماعی تأکید دارد. این نوع نگرش به آسیب، از دکتترین تسهیل‌کننده جرم<sup>۱</sup> به عاریت گرفته می‌شود. این دکتترین معتقد است هرگاه عرضه‌کننده کالا یا خدمات پیش‌بینی کند که با مصرف آن به مصرف‌کننده زانی وارد می‌شود، باید زیان‌های وارد را به حداقل برساند (Farrell & Roman, 2006: 147). بر این اساس، تولیدکننده در قبال آسیبی که وارد کرده مسئولیت اجتماعی دارد. مسئولیت اجتماعی با اخلاقی‌سازی تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها کارکرد پیشگیرانه دارد؛ مسئولیتی که نه تنها فعالیت‌ها و اقدامات اشخاص حقوقی را اخلاقی می‌کند که رفتار کارمندان را نیز اصلاح و آنها را ملزم به رعایت اخلاق می‌کند (جعفری، ۱۳۹۳: ۱۴۹).

#### ۲. آسیب‌های جسمانی عمدی و سیاست‌گذاری‌های عمومی

در این بخش، آسیب‌های جسمانی عمدی مانند قتل عمدی، خودکشی و سقط‌جنین که در سیاست‌های اجتماعی، اقتصادی و اجتماعی و نه مؤلفه‌های فردی و شخصیتی ریشه دارند، تبیین می‌شوند.

## ۲-۱. قتل عمدی

از مهم‌ترین آسیب‌های جسمانی که در جوامع مختلف جرم‌انگاری و برای آن مجازات شدید تعیین شده، قتل عمدی است. در بسیاری از موارد، قتل در نتیجه درگیری‌های میان‌شخصی ارتکاب می‌یابد؛ به عبارت دیگر، قتل بازتاب خشونت بین‌فردی است. با وجود این، قتل، یک شاخص اجتماعی<sup>۱</sup> است که: «به ما اطلاعاتی در خصوص وضعیت جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم و افراد آن ارائه می‌دهد» (Pemberton, 2016: 82).

آسیب اجتماعی‌شناسان در تحلیل قتل عمد بر مؤلفه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تأکید دارند. آمار قتل با میزان نابرابری‌های اجتماعی رابطه دارد. آمار قتل در جوامع با نابرابری اجتماعی بالا نسبت به سایر جوامع بیشتر است. براساس نتایج مطالعات در جوامع شایسته‌سالار<sup>۲</sup> که جایگاه افراد با توجه به موقعیت کاری و درآمد تعیین می‌شود، اختلافات و مناقشات میان‌فردی<sup>۳</sup> زیاد است، زیرا هنگامی که افراد از دستیابی به موقعیت‌های رسمی بازمی‌مانند و محرومیت‌های نسبی و مطلق را تجربه می‌کنند، با احساس شرم، تحقیر و بی‌هویتی مواجه می‌شوند؛ امری که خود بروز خشونت را در پی دارد (صادقی فسایی، ۱۳۹۳: ۷۷).

افزون بر همبستگی اجتماعی باید به نقش سرمایه اجتماعی در تعیین آمار قتل توجه کرد. سرمایه اجتماعی از طریق تقویت هنجارهای غیررسمی و افزایش اعتماد در میان شبکه‌های اجتماعی، خودکنترلی را در بین کنشگران اجتماعی گسترش می‌دهد و موجب ارتقای راهکارهای پیشگیری از جرم می‌شود و از هزینه‌های بخش رسمی سرکوب و مجازات به مقدار شایان توجهی می‌کاهد (فتحی و میرمقدم، ۱۳۹۴: ۲). همچنین، رابطه مستقیمی میان آمار قتل و هزینه‌های اجتماعی<sup>۴</sup> وجود دارد؛ هرچه میزان دسترسی به کالاها و خدمات ضروری بیشتر باشد آمار قتل پایین و برعکس خواهد بود. بدین‌سان، در جوامعی که در آنها سرمایه‌ها به‌جای افزایش همبستگی اجتماعی و تأمین نیازهای ضروری برای تقویت نظام عدالت کیفری و تشدید مجازات‌ها هزینه می‌شود، آمار قتل و سایر جرایم رو به افزایش است.

در ایران، آمار پرونده‌های قتل عمد، تعداد بالای ارتکاب آن را در کشور نشان می‌دهد.<sup>۵</sup> همچنین، پژوهش‌ها در زمینه قتل عمد بیشتر جنبه حقوقی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی دارد (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۰۶) نقش ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در وقوع قتل کمتر بررسی می‌شود. از این‌رو، برنامه‌های پیشگیری از خشونت‌های میان‌فردی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. این در حالی است که یکی از رویکردهای اصلی سیاست‌های کلی سلامت ابلاغی ۱۳۹۳/۰۱/۱۸، تحقق سلامت همه‌جانبه و انسان سالم در همه قوانین، سیاست‌های اجرایی و مقررات بیان شده است. بالا بودن آمار قتل آن را به‌عنوان یک آسیب اجتماعی که سلامت اجتماعی را کاهش می‌دهد،

1. Social marker
2. Meritocratic societies
3. Interpersonal conflict
4. Social expenditure
5. <https://asibha.mcls.gov.ir/fa/filepool/1499/>

مطرح می‌کند که نیازمند اتخاذ برنامه‌های پیشگیرانه است. برنامه‌هایی که هدف از آن، پیشگیری از خشونت‌های ساختاری ناشی از اقدامات و تصمیمات اشخاص حقوقی و به‌ویژه دولت‌هاست. در این میان، آسیب اجتماعی‌شناسی می‌تواند به سیاست‌گذار، آگاهی لازم را در خصوص سیاست‌ها و پیامدهای آنها بر میزان وقوع جرم قتل بدهد. در پرتو این اطلاعات می‌توان با شناسایی افراد در معرض آسیب، سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی مانند برنامه ارتقای کیفیت زندگی، دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی و ایجاد فرصت‌های برابر را برای پیشگیری از آن برای افراد آسیب‌پذیر تدوین کرد. برنامه‌هایی که در حمایت از افراد آسیب‌پذیر در برابر بحران‌های اقتصادی مانند تورم، بیکاری و فقر اجرا می‌شود، موجب افزایش امنیت اقتصادی می‌شود. این امنیت خود نویدبخش امنیت جانی و محیطی است (رجب لاریجانی، ۱۳۹۶: ۶۴).

## ۲-۲. خودکشی

یکی از آسیب‌های جسمانی که جوامع انسانی کم‌وبیش با آن دست‌به‌گریبان‌اند، خودکشی است. جامعه‌شناسان و روان‌شناسان خودکشی را از ابعاد مختلف مطالعه کرده‌اند. با این حال، از آنجاکه به خودکشی در جوامع مختلف به‌عنوان یک گناه نگاه می‌شود و نه جرم، کمتر در مطالعات جرم‌شناسی مورد توجه قرار می‌گیرد. عوامل متعددی چون انزوا، طرد و جدایی از محیط و اجتماع و حتی تحولات و بحران‌های اجتماعی و اقتصادی در وقوع خودکشی نقش دارند (مکیان و لطفی، ۱۳۹۴: ۱۶۴). برابر تخمین‌های سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۲۰ میلادی تقریباً یک میلیون و پانصد هزار نفر در سطح جهان اقدام به خودکشی خواهند کرد. به‌عبارت‌دیگر، در سال مزبور به‌طور متوسط یک مورد مرگ ناشی از خودکشی در هر بیست ثانیه و یک اقدام به خودکشی در فاصله یک تا دو ثانیه اتفاق می‌افتد (رضائیان، ۱۳۹۱: ۱۱۹۱-۱۱۹۰).

مهم‌ترین عامل افزایش خودکشی به ناتوانی دولت‌ها در حمایت از شهروندان در زمان بحران‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بازمی‌گردد. حمایت از افراد بیکار به‌ویژه، اجرای برنامه‌های حمایت اجتماعی<sup>۱</sup> و بازار کار فعال در زمان بحران‌های اقتصادی نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش آمار خودکشی دارد. همچنین، آمار خودکشی با هزینه‌های بهداشت و سلامت عمومی رابطه مستقیم دارد. افزایش بودجه بهداشت، دسترسی افراد به این خدمات را به‌صورت عادلانه و برابر میسر می‌سازد. همچنین، افزایش کیفیت خدمات‌رسانی سبب کاهش آمار خودکشی می‌شود (Pemberton, 2016: 87).

تفاوت در آمار خودکشی به چگونگی پاسخ به این پرسش برمی‌گردد: در مواردی که عصبانیت بر شما چیره می‌شود، علت عصبانیت را در خود می‌جوئید یا دیگران؟ متغیرهای فرهنگی در پاسخ

۱. منظور از حمایت‌های اجتماعی مجموعه اقدامات و ابتکارات دولتی یا غیردولتی در تأمین درآمد و هزینه‌های افراد آسیب‌پذیر جامعه، حمایت در برابر مخاطرات اجتماعی و حمایت از افرادی است که شأن و منزلت اجتماعی آنها نادیده گرفته شده است (Browne, 2015:2).

به این پرسش نقش دارند. برای مثال، در دولت‌های صنفی<sup>۱</sup> آمار خودکشی با گروه و جامعه در ارتباط است، زیرا در این کشورها گروه از فرد مهم‌تر است. در ژاپن، خانه<sup>۲</sup>، گروه‌های اجتماعی مانند خانواده، مدرسه و شرکت است که فرد به آنها تعلق و وابستگی دارد. در نتیجه، هویت گروهی از هویت فردی اهمیت بیشتری دارد. مشارکت فرد در گروه در تعیین جایگاه اجتماعی وی نقش دارد؛ بنابراین، میزان شرمساری در این جوامع بالاست؛ به‌ویژه در جایی که فرد قادر نیست آن‌گونه که از وی انتظار می‌رود نقش‌آفرینی کند. برای مثال، مدل کار ژاپن مبتنی بر کار تمام‌وقت است. پرداخت‌ها براساس ارشدیت و وفاداری انجام می‌گیرد. عضویت در شرکت‌های تجاری هویت فرد را شکل می‌دهد و فرد باید اصول گروه را رعایت کند. براساس نتایج تحقیقات فروپاشی اقتصاد ژاپن در اوایل دهه ۱۹۹۰ که بازسازی و رکود شرکت‌ها را به همراه داشت، سبب ورود فشارهای روانی بر کارگران شد. در نتیجه، آمار خودکشی در اثر بیکاری و فشارهای روانی محیط اجتماعی افزایش یافت (Ibid:90).

در ایران خودکشی وصف مجرمانه ندارد و تنها در بند «ب» ماده ۹۶۴ قانون مجازات اسلامی (ماده ۱۵ ق.ج.ر) تحریک به خودکشی جرم‌انگاری شده است. مطالعات انجام‌گرفته در زمینه تأثیر عوامل اقتصادی بر میزان خودکشی بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹<sup>۳</sup> نشان می‌دهد که می‌توان رابطه معناداری میان شرایط اقتصادی، بیکاری، نابرابری درآمدی، صنعتی شدن و آمار خودکشی برقرار کرد. در واقع، با افزایش بیکاری و بحران اقتصادی آمار خودکشی در کشور افزایش داشته است (مکیان و لطفی، ۱۳۹۴: ۱۶۴). از این‌رو، بند ۳ سیاست‌های کلی سلامت ابلاغی ۱۳۹۳/۰۱/۱۸، یکی از اولویت‌های اصلی حوزه سلامت را رفع موانع تنش‌آفرین در زندگی فردی و اجتماعی و ارتقای شاخص‌های سلامت روانی تعیین کرده است. در این میان، یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد تنش در زندگی فردی و اجتماعی به‌صورت غیرمستقیم سیاست‌ها و برنامه‌های دولت است. با وجود این، هنوز برنامه‌های حمایتی از افراد آسیب‌پذیر در برابر تغییرات سیاست‌های دولتی و پیشگیری از خودکشی تدوین نشده است.

### ۲-۳. سقط جنین

از سقط جنین به‌عنوان یک تراژدی اجتماعی یاد می‌شود، زیرا در آن، به یک زندگی پیش از آغاز، پایان داده می‌شود. آمارهای جهانی نشان می‌دهد که سالانه حدود ۲۱۰ میلیون حاملگی در سراسر جهان شکل می‌گیرد و ۲۲ درصد از این موارد (۴۶ میلیون)، به علل مختلف به سقط جنین ختم می‌شود (موحد، عظمت و معاون، ۱۳۹۳: ۸۸).

علل متعددی مانند توسعه‌یافتگی و نهادهای اجتماعی در ارتکاب سقط نقش دارند. سازمان بهداشت جهانی علل اصلی سقط را حفظ جان مادر، حفظ سلامتی جسمی مادر یا جنین، حفظ

1. Corporatist regime

2. House

3. <https://asibha.mcls.gov.ir/fa/filepool/1474/>

سلامتی روحی مادر در موارد تجاوز جنسی، نقایص جنینی و دلایل اقتصادی و اجتماعی برمی‌شمارد (همان: ۳۰۵). مؤلفه‌های شخصی چون وضعیت جسمانی زن، سن، سیگاری بودن، اعتیاد و وزن در سقط مؤثرند، اما برخی عوامل دیگر که متأثر از مؤلفه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی‌اند، اهمیت بیشتری دارند.

یکی از متغیرهای مهم و اثرگذار در سقط جنین، میزان نابرابری اجتماعی است. در جوامع با نابرابری اجتماعی بالا آمار سقط جنین همواره بیشتر است. درصد سقط جنین در میان افرادی که به لحاظ سطح زندگی خواه از نظر طبقه اجتماعی، آموزشی یا درآمدی در سطوح بالاتری قرار می‌گیرند، پایین است. افزون بر این، منابع و شرایط جامعه بر بهداشت و سبک زندگی<sup>۱</sup> افراد تأثیر دارد. عوامل مختلفی مانند سیگار کشیدن، ورزش کردن، مصرف مشروبات الکلی، عادات رفتاری که بخشی از عناصر رفتاری یا سبک زندگی است با سطح درآمد افراد ارتباط دارد.

در ایران، آمار دقیقی از میزان سقط جنین در دسترس نیست. عوامل اقتصادی، فرهنگی، شغلی و بهداشتی نقش مهمی در سقط جنین دارند (عباسی، رضوانی و قاسمی پور، ۱۳۹۴: ۱۱۳-۱۱۱). در این میان، مشکلات اقتصادی و مالی از مهم‌ترین دلایل سقط جنین است (نجاتی حاتمیان، ۱۳۹۳: ۱۶۸). بیشتر برنامه‌ها و سیاست‌های حمایتی بارداری مانند مرخصی زایمان و پرداخت عائله‌مندی بیشتر برای حمایت از افراد شاغل تدوین شده است. به‌منظور پیشگیری از سقط جنین باید تدوین و اجرای برنامه‌های حمایتی پیش و پس از بارداری اعم از برنامه‌های ارائه خدمات بهداشتی و درمانی، مشاوره‌های خانوادگی، حمایت‌های بیمه‌ای و مالی مورد توجه قرار گیرد.

### ۳. آسیب‌های جسمانی غیر عمدی و سیاست‌گذاری‌های عمومی

تصویری که از آسیب عمدی<sup>۲</sup> در طول تاریخ ارائه شده است، آن را تنها آسیب جدی و خطرناک برای بشریت معرفی می‌کند. از این‌رو، درجایی که احتمال وقوع آسیب غیرعمدی وجود دارد، اشخاصی که از آن آگاهی دارند و می‌توانند با نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری مانع از آن شوند، بی‌تفاوت از کنار آن می‌گذرند (فرانسواز وان‌هام، ۱۳۹۲: ۹۲۸). ریموند پلان<sup>۳</sup> معتقد است «مسئولیت اجتماعی در قبال اعمال، به نتایج اعمال عمدی محدود نمی‌شود؛ بلکه نتایج اعمال قابل پیش‌بینی را هم در برمی‌گیرد. اصل کلی پذیرفته‌شده در این زمینه این است که ما مسئول نتایج اعمال قابل پیش‌بینی هرچند غیرعمدی نیز هستیم؛ زیرا اثبات شده است که قلمرو نتایج قابل پیش‌بینی است» (Pemberton, 2004: 22). در نتیجه، آسیب اجتماعی‌شناسی به لحاظ گستره قربانیان آسیب‌های غیرمستقیم ناشی از سیاست‌های عمومی، برای آنها ارزش و بهایی همسنگ با آسیب‌های عمدی قائل است؛ آسیب‌هایی که بیشتر در ساختارهای اجتماعی ریشه دارند و از قابلیت پیشگیری برخوردارند. در ادامه، به تحلیل آسیب اجتماعی‌شناسی آسیب‌های جسمانی برخی از گونه‌های جرایم غیرعمد می‌پردازیم.

1. Healthy lifestyles
2. Intentional harm
3. Raymond plant

## ۳-۱. حوادث رانندگی

براساس آمار سازمان بهداشت جهانی، مرگومیر ناشی از حوادث رانندگی جزء سه عامل مهم مرگومیر جهانی است. سالیانه بر اثر حوادث رانندگی بالغ بر ۳.۱ میلیون نفر جان خود را از دست می‌دهند (Pemberton, 2016:100). برابر گزارش سازمان بهداشت جهانی، ایران رتبه اول را در حوادث رانندگی در دنیا دارد، به طوری که تلفات حوادث رانندگی یازده برابر استاندارد جهانی است. بخش عمده این آسیب ناشی از عیب خودروها و ایمن نبودن آنهاست (بادینی و پناهی اصلو، ۱۳۹۱: ۴۰). در نظام حقوقی ایران قانونگذار برای حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو در سال ۱۳۸۶ «قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو» و آیین‌نامه اجرایی آن را در تاریخ ۱۳۹۵/۰۱/۲۲ و با وقفه نه‌ساله تصویب کرد. هدف از تصویب این قانون و آیین‌نامه، حمایت از مصرف‌کنندگان در مقابل عیب ایمنی است. به عبارت دقیق‌تر، عیوبی که صدمه به جسم، جان و مال اشخاص وارد می‌کنند (همان: ۴۰). برابر ماده ۳ قانون مذکور در صورت ورود خسارت جانی به مصرف‌کننده در دوره ضمانت خودرو، عرضه‌کننده مسئول جبران آن (مسئولیت مدنی) است.

افزون بر این، برابر ماده ۱ قانون ارتقای کیفی تولید خودرو و سایر تولیدات صنعتی داخلی مصوب ۱۳۸۹/۰۲/۲۶ وزارت صنایع و معادن مکلف است برنامه و سیاست‌های مرتبط با ارتقای کیفیت تولید خودرو، کاهش مصرف سوخت، اجرای کامل استانداردهای اجباری پنجاه‌ویک‌گانه و استانداردهای مورد نیاز قطعه‌سازی، استانداردهای ایمنی و آلاینده‌ها را تهیه و به کلیه خودروسازان و مراکز ذی‌ربط ابلاغ نماید. در آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور مصوب ۱۳۸۹/۰۹/۱۴، وزارت صنایع و معادن وظیفه نظارت بر حسن اجرای قوانین و ضوابط مصوب از سوی خودروسازان را دارد و مکلف است در صورت عدم رعایت، اقدامات قانونی را انجام دهد. همچنین، در بخش ۱ از بند «الف» ماده ۱۰۸ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ دولت مکلف شده است اقداماتی چون ارتقای کیفیت ایمنی وسایط نقلیه و اصلاح نقاط حادثه‌خیز را برای پیشگیری و کاهش حوادث رانندگی به کار بندد. بدین‌سان، دولتی و شبه‌دولتی بودن حوزه تولید و عرضه خودرو، فشارهای گروه‌های ذی‌نفوذ برای پایین نگه‌داشتن هزینه‌های تولید به‌منظور کسب سود بیشتر و انحصاری بودن بازار سبب شده است که سیاست‌گذاری‌ها برای پیشگیری و کاهش آسیب‌های جسمانی در حوزه تولید خودرو با چالش‌های جدی مواجه شود. در واقع، در جدال میان ارزش حفظ تمامیت جسمانی و کسب سود، سیاست کسب سود چیره شده است. در حال حاضر بیشتر قوانین و مقررات پیشگیری از حوادث رانندگی، مصرف‌کننده یا راننده را به‌عنوان علت اصلی حادثه معرفی می‌کنند و مورد هدف قرار می‌دهند. این در حالی است که در آسیب اجتماعی-شناسی حمایت از تمامیت جسمانی می‌طلبد که درجایی که مصرف‌کننده یا راننده سبب ایراد آسیب شده است، ولی تولیدکننده نیز در تولید محصول کوتاهی کرده و در نتیجه به مصرف‌کننده آسیب جسمانی وارد شده است. از آنجا که تمهیدات لازم را برای پیشگیری از آسیب جسمانی به مصرف‌کننده اعم از مقصر و غیرمقصر رعایت نکرده است، به‌عنوان مسئول آسیب معرفی شود. افزون بر این، باید به مسئولیت دولت و نهادهای متولی پیشگیری از حوادث رانندگی مانند نیروی

انتظامی، سازمان پزشکی قانونی، وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، وزارت راه و شهرسازی و سازمان پایانه‌های کشور در رفع و اصلاح نقاط آسیب‌زا نیز اشاره کرد.

### ۳-۲. جرایم مربوط به ایمنی

«کار، تلفات می‌گیرد»، عبارتی است که در صفحات نخست روزنامه‌ها و سایر رسانه‌های جمعی همواره با آن برخورد می‌کنیم. هر سال تعداد زیادی از کارگران و اعضای جامعه بر اثر حوادث و بیماری‌های ناشی از کار جان خود را از دست می‌دهند. با وجود این، به مرگ‌ومیر و جراحات ناشی از کار، وصف حوادث<sup>۱</sup> می‌دهند که بار معنایی و تأثیرات اجتماعی خاصی را در مقایسه با وصف کیفی دارد (Tombs & Whyte, 2007: 87).

شرکت‌های چندملیتی در ایجاد محیط ناایمن کاری نقش زیادی دارند. براساس مطالعات صورت گرفته میزان مرگ‌ومیر به واسطه شرایط کاری ناایمن تحمیل شده توسط این شرکت‌ها شش برابر بیشتر از میزان مرگ‌ومیر جرایم خیابانی است. همچنین میزان ضرب و جرح و صدمات غیرکشنده در محیط کار، ۳۰ برابر بیشتر از میزان ضرب و جرح خشونت‌آمیز علیه اشخاص است (دیکسردی، ۱۳۹۰: ۴۴).

در ایران مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد سرانه انسانی هر حادثه شغلی که در کشور رخ می‌دهد، برابر با ۹۰۵۳۳۹۳ تومان است. به عبارت دیگر هر حادثه شغلی به طور متوسط ۹۰۵۳۳۹۳ تومان برای کارفرمایان و اقتصاد کشور هزینه و خسارت انسانی و مالی تحمیل می‌کند (عطرکار روشن و علیزاده، ۱۳۹۴: ۱۶). افزون بر این، برای حمایت از کارگران در مقابل حوادث ناشی از کار مقرراتی وضع شده است. مواد ۹۵ و ۱۰۵ قانون کار بر رعایت مقررات بهداشتی و حفاظتی در محیط‌های کارگاه از سوی کارفرما به منظور پیشگیری از وقوع حادثه تأکید دارد. همچنین، به موجب تبصره ۱ ماده ۱۰۵ قانون مذکور، در صورتی که کارفرما به خطایه‌های بازرسان یا کارشناسان بهداشت حرفه‌ای توجه نکند، وزارت کار و وزارت بهداشت می‌توانند از دادسرا صدور قرار تعطیلی و لاک و مهر تمام یا قسمتی از کارگاه را تقاضا کنند. این قرار ماهیت احتیاطی و پیشگیرانه دارد. در واقع، عدم رعایت مقررات ایمنی به حدی آشکار است که کارگر را در معرض آسیب قرار می‌دهد. از این رو، قانونگذار صدور دستور رفع تعطیلی کارگاه را به اظهار نظر بازرسان کار یا کارشناسان دادگستری در مورد رفع نواقص و کاستی‌های محیط کار منوط کرده است. افزون بر این، در بخش اول از بند «الف» تبصره ۲ قانون اصلاح تبصره ۲ ماده ۷۶ قانون اصلاح مواد ۷۲ و ۷۷ و تبصره ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به ماده ۷۶ مصوب ۱۳۸۰/۷/۱۴، کارفرمایان مکلف شده‌اند تا دو سال پس از تصویب این قانون نسبت به ایمن‌سازی شرایط محیط کار مطابق با حد مجاز و استانداردهای مشخص شده در قانون کار و آیین‌نامه‌های مربوط و سایر قوانین موضوعه در این زمینه اقدام کنند. هدف از تصویب این مقررات به حداقل رساندن آسیب‌های جسمانی و روانی

ناشی از کار در محیط‌های سخت و زیان‌آور<sup>۱</sup> بوده است. باین‌حال به‌دلیل هزینه‌های بالای ایمن‌سازی محیط کار برای کارفرمایان، آنها رغبت کمتری برای انجام آن دارند.

### ۳-۳. آسیب‌های جسمانی ناشی از جرایم محیط‌زیستی

ضعف قوانین و مقررات، نبود نظارت، بازرسی و آموزش کافی و کم هزینه‌بودن جرایم و تخلفات ارتكابی در حوزه محیط زیست آن را به آماج بهینه برای بزهکاران تبدیل کرده است. اشخاص حقوقی اعم از ملی و فراملی نیز برای توسعه فعالیت‌هایشان سعی می‌کنند از ضعف‌های موجود در قوانین داخلی کشورها حداکثر استفاده را ببرند (Brisman & South, 2015: 27). پیدا کردن رابطه سببیت میان آلودگی و تخریب و صدمات جسمانی همواره از چالش‌های اساسی نظام عدالت کیفری است. در این میان، آلودگی هوا از جمله مخاطراتی است که آسیب‌های جسمانی گسترده‌ای مانند افزایش بیماری‌های قلبی، رخدادهای آب‌وهوایی ناگوار، افزایش بیماری‌های خطرناک آبی و غذایی ایجاد می‌کند (Hall, 2013: 378). برابر آمار سازمان بهداشت جهانی، در ایران سالیانه تعداد زیادی از شهروندان به‌طور مستقیم در اثر آلودگی هوای باز دچار مرگ زودرس می‌شوند (فریادی، ۱۳۹۵: ۹۰).

در رویکرد آسیب اجتماعی‌شناسی، اشخاص حقوقی از طریق نفوذ در لایه‌های قدرت سبب نهان ماندن جرایم و تخلفات محیط زیستی می‌شوند. به‌طوری‌که ریسک پایین کشف آسیب‌های محیط زیستی، مجازات‌های سبک و رویه‌های پیچیده اداری، از محیط زیست یک آماج بی‌هزینه برای افراد و اشخاص و یک تجارت کارآمد یا سودمند<sup>۲</sup> ساخته است (Davies, Francis & Wyatt, 2014: 15).

اشخاص حقوقی و شرکت‌ها با توسل به حربه‌هایی چون شست‌وشوی سبز<sup>۳</sup> چهره فعالیت‌های غیرمحیطی زیستی خود را پاک می‌کنند. شرکت‌های نفتی به‌رغم حوادث نفتکش‌ها و آلوده‌کنندگی گسترده، برای فریب افکار عمومی شرکت‌هایی را با هدف تحقیق بر روی انرژی‌های جایگزین تأسیس می‌کنند. درواقع، آنها با انجام فعالیت‌ها و رویه‌های خوب، ذهن جامعه و قانونگذار را از آسیب‌زا بودن فعالیت‌های خود منحرف کرده‌اند (Ibid: 15). به‌عبارت‌دیگر، شکلی از جرایم تزویرآمیز که در آن فاعل، چهره ستیزه‌جو ندارد، پدیدار شده است. اعتمادی که مرتکبان این دست جرایم در جامعه ایجاد می‌کنند، مانع از آن می‌شود که فرد مقابل، متوجه اندیشه حمله شود و در نتیجه دفاع نخواهد کرد یا حداقل بسیار دیر به دفاع متوسل خواهد شد (ابراهیمی و صادق‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۶۲).

همچنین، قربانیان جرایم محیط زیستی اغلب به گروه‌های خاص تعلق دارند یا از طبقات اجتماعی خاصی‌اند. مطالعات نشان می‌دهد که گروه‌های مذهبی، طبقات پایین اجتماعی و زنان

۱. براساس بند «الف» تبصره ۲ قانون اصلاح تبصره ۲ ماده ۷۶ قانون اصلاح مواد ۷۲ و ۷۷ و تبصره ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به ماده ۷۶ مصوب ۱۳۸۰/۷/۱۴: «کارهای سخت و زیان‌آور کارهایی است که در آنها عوامل فیزیکی، شیمیایی، مکانیکی و بیولوژیکی محیط کار، غیراستاندارد بوده و در اثر اشتغال کارگر تنشی به‌مراتب بالاتر از ظرفیت‌های طبیعی (جسمی و روانی) در وی ایجاد گردد که نتیجه آن بیماری شغلی و عوارض ناشی از آن بوده و بتوان با به‌کارگیری تمهیدات فنی، مهندسی، بهداشتی و ایمنی و غیره صفت سخت و زیان‌آور بودن را از آن مشاغل کاهش یا حذف نمود».

۲. 'Business as usual'

۳. 'Green washing'



بیشترین طیف قربانیان آلودگی‌های محیط‌زیستی را تشکیل می‌دهند. مهم‌ترین علت آن را می‌توان نداشتن قدرت انتقاد و قدرت سیاسی و اقتصادی لازم در مواجهه با آلودگی‌های محیط زیستی و رفتار نابرابر اقتصادی و سیاسی دولت و اشخاص حقوقی دانست (Ibid:15).

در نظام حقوقی ایران، اصل ۵۰ قانون اساسی حفاظت از محیط زیست را یک وظیفه عمومی برشمرده است. افزون بر این، فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب جبران‌ناپذیر آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است. همچنین، در بند ۴ سیاست‌های کلی محیط زیست ابلاغی ۱۳۹۴/۸/۲۶ بر پیشگیری و ممانعت از انتشار انواع آلودگی‌های غیرمجاز و جرم‌انگاری تخریب محیط زیست و مجازات مؤثر و بازدارنده آلوده‌کنندگان و تخریب‌کنندگان محیط زیست و الزام آنان به جبران خسارت تأکید شده است. در این زمینه، قوانین و مقررات متعددی برای پیشگیری از آلودگی و تخریب محیط زیست به‌ویژه در حوزه آب، هوا و خاک به تصویب رسیده است. با این حال، پراکندگی قوانین و مقررات، عدم ضمانت اجراهای قوی، نظارت و بازرسی مستمر، آموزش و غیره سبب شده است که شاهد افزایش آسیب‌های وارد به محیط زیست باشیم.

در قوانین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور حفاظت از آلودگی و تخریب محیط زیست به‌صورت غیرمستقیم دنبال می‌شود. باین‌حال، یکی از منابع مالی دولت در این قوانین، عوارض آلودگی واحدهای آلاینده مانند بند ۳ ماده ۶ از قانون برنامه ششم توسعه تعیین شده است. در این بند، تعریفی از آلودگی ارائه نمی‌شود، اما مطابق با دستورالعمل اجرایی تبصره ۱ ماده ۳۸ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۹۲/۴/۲ عوارض آلودگی به آلودگی‌های آب، هوا و خاک برمی‌گردد. شاید بتوان گفت اساس این ماده را اصل آلوده‌کننده-پرداخت‌کننده<sup>۱</sup> تشکیل می‌دهد (روستایی و رحمانیان، ۱۳۹۶: ۲۷۴) که در آن آلوده‌کننده باید خسارت وارد را جبران کند. درواقع، سودی که مرتکب از اقدام خود به‌دست می‌آورد، بیش از هزینه‌ای است که پرداخت می‌کند. درآمدزایی آلودگی برای دولت، انگیزه لازم برای تشویق و حمایت از آلوده‌کننده به‌منظور کاهش و از بین بردن آلودگی را از بین می‌برد. افزون بر این، اگر هدف از اخذ عوارض آلودگی، هزینه آن برای کاهش آسیب‌ها و عوارض ناشی از آن مانند آسیب‌های جسمانی باشد، دولت می‌تواند صندوقی را برای جبران خسارت از شهروندانی که در نتیجه آلودگی‌های محیط زیستی دچار صدمات جسمانی شده‌اند، ایجاد کند.

#### ۳-۴. آسیب‌های ناشی از مصرف کالا و خدمات معیوب

امروزه با مصرفی شدن جوامع، تولید و عرضه کالاها و خدمات متنوع با پدیده قربانیان جمعی ناشی از مصرف کالا و خدمات روبه‌رو هستیم. یکی از این کالاهای آسیب‌زا و پرترفدار اسباب‌بازی است. تولید و عرضه اسباب‌بازی‌های غیراستاندارد در ورود آسیب‌های جسمانی، روانی و حتی معنوی و فرهنگی نقش دارد (Croall, 2010: 172). در ایران برای نظارت برای تولید، واردات و توزیع اسباب‌بازی، شورای نظارت بر اسباب‌بازی زیر نظر قانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان فعالیت

می‌کند. همچنین، ضوابط و مقررات متعددی از باب رعایت ایمنی اسباب‌بازی وجود دارد. ضمانت اجرای عدم رعایت این ضوابط و مقررات مسئولیت مدنی است (السان و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۰-۱۲۴).

استفاده از محصولات شیمیایی و افزودنی‌های مواد غذایی و نوشیدنی و سایر کالاها و خدمات با خاصیت سرطانی، نگرانی‌های مصرف‌کنندگان را گسترده کرده است. مسمومیت غذایی و دارویی از شایع‌ترین تهدیدات علیه سلامت مصرف‌کنندگان است؛ ولی از آنجاکه بیماری محسوب نمی‌شود، در گزارش‌ها به آن توجه نمی‌شود. از این‌رو، آمار کمی در خصوص میزان صدمات جسمانی ناشی از مصرف آن وجود دارد. در ایران آماری از میزان مسمومیت غذایی منتشر نشده است. با توجه به آمار سازمان پزشکی قانونی کشور در خصوص مرگ‌ومیر ناشی از مسمومیت با داروها مشاهده می‌شود که از سال ۱۳۸۹ تا پنج ماه اول سال ۱۳۹۴ به‌طور میانگین هرسال بین ۵۵۰ تا ۷۸۰ نفر در اثر مسمومیت با دارو جان سپرده‌اند.<sup>۱</sup>

افزون بر این، مسئولیت کیفری عرضه‌کنندگان کالای معیوب یا خطرناک در قوانین مختلفی مانند قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب سال ۱۳۸۸، قانون اصلاح قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران مصوب ۱۳۷۱، قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی مصوب ۱۳۳۴ و قانون مواد خوراکی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی مصوب ۱۳۲۶ پیش-بینی و مجازات حبس یا جزای نقدی برای مرتکب تعیین شده است (قاسمی حامد و خالدی دوبرجی، ۱۳۹۱: ۱۸۰). باوجوداین، ضعف ضمانت اجراهای این قوانین در پیشگیری از آسیب‌های جسمانی، تصویب قانون تقویت و توسعه نظام استاندارد مصوب ۱۳۹۶/۹/۲۸ را در پی داشت. ماده ۳ قانون مذکور هدف از تصویب آن را، اطمینان بخشی از تولید، ارائه، واردات و صادرات کالاها و خدمات مطابق با سیاست‌های کلی سلامت برشمرده است. مطابق با ماده ۴۴ هرگاه ارتکاب یکی از جرایم و تخلفات پیش‌بینی‌شده در قانون مذکور موجب بیماری، آسیب جسمی یا روحی یا منجر به مرگ شود، مرتکب حسب نتیجه حاصله به مجازات محکوم خواهد شد. همچنین، مطابق ماده ۴۳ قانون مذکور رئیس سازمان می‌تواند درجایی که از تأخیر در اقدام بیم خسارت و زیان جانی و مالی می‌رود موقتاً توزیع و فروش کالا را توقیف کند و به‌منظور جلوگیری از ادامه تولید فرآورده‌های غیراستاندارد، ابزارها، ماشین‌آلات و وسایل تولیدی را لاک و مهر کند. با این‌حال، انجام این امر نیازمند بازرسی‌های مستمر، نیروی انسانی و منابع مالی کافی است.

### نتیجه‌گیری

رویکرد آسیب اجتماعی‌شناسی با طرح مفهوم آسیب به‌جای جرم، از آن به‌عنوان ابزاری برای کسب اطلاعات از آسیب‌هایی استفاده می‌کند که نظام عدالت کیفری، آنها را نادیده گرفته است. آسیب‌های کلانی که محصول شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی‌اند و به‌صورت واقعی یا بالقوه به رفاه و سعادت افراد خدشه وارد می‌کنند. از این‌رو، ضرورت دارد قانونگذار به این آسیب‌ها نیز در

1. <http://vcdf.qums.ac.ir/portal/home/?news>

کنار رفتارهایی که در حقوق کیفری جرم‌انگاری شده است، توجه کند. با این تفاوت که برخلاف حقوق کیفری در آسیب اجتماعی‌شناسی بر استفاده از پاسخ‌های اجتماعی به‌جای مجازات تأکید می‌شود. درواقع، مجموعه‌ای از نهادهای مختلف مانند سازمان استاندارد، وزارت بهداشت، کار و مسکن، پلیس و رفاه در اجرای برنامه‌های اجتماعی با محوریت کاهش آسیب مشارکت می‌کنند و مداخلات به‌منظور کاهش نابرابری‌ها و با تأمین نیازهای انسانی صورت می‌گیرد.

در خصوص آسیب‌های مربوط به سلامت جسمانی، رویکردهای آسیب اجتماعی‌شناسی از سه طریق بر حمایت از افراد در برابر صدمات جسمانی و کاهش آن تأکید دارند: نخست، هدف حمایت از انسان و جسم و جان وی بدون ملاحظه منشأ آسیب است. هرگونه تبعیض در برخورد با آسیب‌های جسمانی از اهمیت و ارزش انسان می‌کاهد و مرگ‌ومیر و سایر صدمات جسمانی را نزد عموم بی‌ارزش جلوه می‌دهد. مطالعه آسیب اجتماعی‌شناسی درک درستی از آسیب‌های جسمانی ناشی از قرار گرفتن در شرایط و وضعیت‌های خطرآفرین مانند قرار گرفتن در معرض آلودگی هوا، محیط کار خطرناک، رژیم غذایی ضعیف، مسکن، بیکاری و کمبود آب ارائه می‌دهد.

دوم، آسیب اجتماعی‌شناسی الهام‌بخش این اندیشه است که وقت آن فرا رسیده است تا حقوق کیفری قسمتی از برنامه‌ها و اولویت‌های خود را به‌جای پیشگیری از آسیب‌های جزئی، معطوف به برنامه‌ها و راهبردهای پیشگیری و مبارزه با آسیب‌های جسمانی بزرگ و جدی کند. گستردگی صدمات جسمانی ناشی از آسیب‌های اجتماعی، قربانیان و ماهیت مرتکبان خاص آنها حقوق کیفری را در پاسخ به این دست از آسیب‌ها ناتوان ساخته است. از این‌رو، بازنگری در ساختارهای حقوق کیفری و پاسخ‌های آن برای مقابله با این آسیب‌ها ضروری است.

سوم، از منظر رویکرد آسیب اجتماعی‌شناسی هرچند در ارتکاب جرایم، ویژگی‌های فردی و شخصی دخیل است، نباید از ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه غافل شد، زیرا تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در شکل‌گیری رفتارهای افراد و نوع انتخاب آنها اثرگذارند. مفهوم آسیب با جهانی‌سازی مفهوم بزه‌دیدگی، جبران ضرر و زیان‌هایی را که حقوق کیفری در جبران آن ناتوان است، میسر می‌سازد؛ زیرا آسیب کلیه شئون زندگی بشری را مستقل از وضعیت‌های اجتماعی که قدرت تعریف می‌کند، در برمی‌گیرد. اگر دولت‌ها برنامه‌ای برای حمایت از اعضای جامعه در برابر بحران‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نداشته باشند، شاهد افزایش چشمگیر جرایم و آسیب‌های عمدی و غیرعمدی خواهیم بود.

به‌رغم اهمیت پیشگیری و کاهش صدمات جسمانی غیرعمدی، در سیاست جنایی ایران به آنها همچون یک اولویت نگاه نشده است. در حال حاضر آنچه در قوانین و مقررات داخلی برای پیشگیری از آسیب‌های جسمانی گسترده پیش‌بینی شده است، بیشتر جنبه اداری و تخلفاتی دارد. این در حالی است که باید در نوع مسئولیت و ضمانت اجرای آن میان مواردی که شخص با علم و اطلاع از نقض قوانین و مقررات رفتار می‌کند و به ورود حادثه منجر می‌شود و مواردی که شخص تمامی مقررات و ضوابط را رعایت می‌کند ولی حادثه رخ می‌دهد، تمایز نهاد؛ زیرا در فرض اول نوعی بی‌تفاوتی اخلاقی نسبت به هموعان وجود دارد؛ بی‌تفاوتی که می‌تواند به افراد زیادی آسیب

جسمانی وارد کند. از این رو، فرض مسئولیت کیفری با هدف پیشگیری از وقوع حادثه ضرورت دارد. در واقع، قابلیت پیش‌بینی و پیشگیری به‌عنوان معیار مداخله حداقلی حقوق کیفری می‌تواند به کار رود. افزون بر این، در ایران سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی برای کاهش و حذف صدمات جسمانی غیرعمدی ناشی از سیاست‌های عمومی وجود ندارد. در نتیجه، آسیب‌های جسمانی ناشی از سیاست‌گذاری‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بدون جبران باقی می‌مانند. در حالی که در بسیاری از موارد آسیب‌های سیاست‌های عمومی از طریق اجرای برنامه‌های حمایتی عمومی قابلیت پیشگیری‌اند. از این رو، ارزیابی آسیب‌های جسمانی سیاست‌های عمومی پیش از اجرا، شناسایی افراد در معرض آسیب و تدوین برنامه‌های حمایتی از آنها را می‌طلبد.

## منابع

### الف) فارسی

۱. ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۰). جرم‌شناسی پیشگیری، ج ۱، چ اول، تهران: میزان.
۲. ابراهیمی، شهرام؛ صادق‌نژاد، مجید (۱۳۹۲). «تحلیل جرم‌شناختی جرایم اقتصادی»، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، ش پنجم، ص ۱۷۴-۱۴۷.
۳. ابراهیمی، مهرزاد؛ چاکرزه، عبدالوهاب (۱۳۹۴). «ارتباط میان نرخ جرم و جنایت با تورم و بیکاری در ایران»، پژوهش‌های راهبردی/امنیت و نظم/اجتماعی، سال چهارم، شماره پیاپی ۱۰، ش دوم، ص ۱۲۷-۱۳۲۷.
۴. اکیلوم، پل (۱۳۹۴). بخش خصوصی و طراحی محصولات با هدف پیشگیری از جرم، ترجمه مهدی صبوری‌پور، در دانشنامه پیشگیری از جرم آکسفورد، چ اول، تهران: میزان.
۵. بادینی، حسن و پانته‌آ پناهی اصانلو (۱۳۹۱). «نقدی بر قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده خودرو مصوب ۱۳۸۶»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال اول، ش ۱، ص ۶۴-۳۹.
۶. پیکا، جرج (۱۳۸۹). جرم‌شناسی، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، چ اول، تهران: میزان.
۷. جعفری، امین (۱۳۹۳). حقوق کیفری کسب‌وکار، چ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۸. حاتمیان، سیمین‌نجاتی (۱۳۹۳). «تجربه سقط‌جنین ارادی در زنان متأهل شهر تهران»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۸، ش ۱، ص ۱۸۷-۱۶۷.
۹. حسینی، سید رضا (۱۳۹۰). بررسی آمار جرایم در ایران ۱۳۷۶-۱۳۸۰، آسیب‌های اجتماعی و روند تحول آن در ایران، مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، خرداد ۱۳۸۱، ج ۱، چ سوم، تهران: نشر آگه.
۱۰. دیکسردی، والتر (۱۳۹۰). جرم‌شناسی انتقادی معاصر، ترجمه میر روح‌الله صدیق، چ اول، ایلام: انتشارات رمان.
۱۱. راغفر، حسین (۱۳۹۰). قدرت، سیاست‌های اقتصادی و فساد در ایران، آسیب‌های اجتماعی و روند تحول آن در ایران، مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، خرداد ۱۳۸۱، ج ۱، چ سوم، تهران: نشر آگه.
۱۲. راغفر، حسین؛ زرگری، نیلوفر؛ سنگری مهذب، کبری (۱۳۹۳). نابرابری در سلامت در ایران، در مجموعه مقالات آسیب‌های اجتماعی-اقتصادی، ج ۹، تهران: آگه، چ اول.
۱۳. رحیمی‌پور، ایمان؛ حبیب‌زاده، جعفر؛ محقق داماد، سید مصطفی؛ فرجیها، محمد؛ امید، جلیل (۱۳۹۵). سیاست کاهش آسیب در قبال مصرف مواد مخدر «مطالعه تطبیقی در نظام عدالت کیفری ایران، پرتغال و کانادا»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۰، ش ۳، ص ۸۴-۱۰۹.
۱۴. رستمی، سحر؛ عبدی، فاطمه؛ احمدی، محبوبه؛ دادبیر، ابوعلی (۱۳۹۲). «بررسی تطبیقی قوانین سقط‌جنین در کشورهای جهان»، فصلنامه تاریخ پزشکی، سال پنجم، ش هفدهم، ص ۱۱۱-۷۹.
۱۵. رضائیان، محسن (۱۳۹۱). «مقایسه آمار وزارت بهداشت با آمار مرکز آمار ایران پیرامون موارد خودکشی ثبت‌شده در ایران»، مجله تحقیقات نظام سلامت، ش ۸(۷)، ص ۱۱۹۶-۱۱۹۰.
۱۶. روستایی، مهرانگیز؛ رحمانیان، حامد (۱۳۹۶). «جرم‌های زیست‌محیطی»، دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، تهران: میزان.
۱۷. ریاضی، سید ابوالحسن؛ نجفیان‌پور، بانودخت (۱۳۹۴). «مقایسه عوامل مؤثر فرهنگی-اجتماعی و روان‌شناختی در خودکشی

- زنان و ایران»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره هشتم، ش ۴، ص ۱۶۷-۱۴۳.
۱۸. رنوف حیدری فر، محمد (۱۳۹۱). «مخاطرات انسانی: تهدیدهای امنیتی ناشی از تقابل انسان و محیط». *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ش ۸۱.
۱۹. السان، مصطفی؛ امشاسفند، جعفر؛ دادکیا، مجید؛ آجورلو، حمید (۱۳۹۳). «مطالعه تطبیقی تعهد به ایمنی و مسئولیت مدنی نسبت به اسباب‌بازی». *مجله حقوق خصوصی*، دوره ۱۱، ش ۱، ص ۱۳۳-۱۰۹.
۲۰. شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۹۴). شهریار، بهمن، ماهیت جرم‌شناختی رفتارهای منتهی به مخاطرات در مکتب نوظهور زیولوژی، دانش مخاطرات، دوره ۲، ش ۳، ص ۳۳۹-۳۲۵.
۲۱. صادقی فسایی، سهیلا (۱۳۹۳). فراتر از رویکردهای متعارف: قتل به‌مثابه کنش متقابل، *مجله مطالعات جامعه‌شناختی*، دوره ۲۱، ش ۲، ص ۹۶-۷۳.
۲۲. عالی‌پور، حسن (۱۳۸۸). بزه و نسبی‌گری، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، ج اول، میزان، چ اول، تهران.
۲۳. عباسی، محمود؛ رضوانی، سودابه؛ قاسمی‌پور، سعیده (۱۳۹۴). «شرایط تحقق سقط درمانی در پرتو مطالعه تطبیقی»، *مجله پزشکی قانونی*، دوره ۲۱، ش ۲، ص ۱۱۶-۱۰۷.
۲۴. عطرکار روشن، صدیقه؛ علیزاده، سید شمس‌الدین (۱۳۹۴). «برآورد هزینه‌های اقتصادی حوادث ناشی از کار در ایران: مطالعه موردی حوادث شغلی سال ۱۳۹۱»، *دوماهنامه سلامت کار ایران*، دوره ۱۲، ش ۱، ص ۱۹-۱۲.
۲۵. غلامی، حسین (۱۳۹۳). *اصل حداقل بودن حقوق جزا*، در: *حداقل بودن حقوق جزا*، چ اول، تهران: میزان.
۲۶. فتوحی، سروش و میرمقدم، کاظم (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر کاهش میزان جرایم (مورد مطالعه: جوانان شهرستان شهریار)»، *فصلنامه انتظام اجتماعی*، سال هفتم، ش ۱.
۲۷. فریادی، مسعود (۱۳۹۵). «آلودگی هوای شهری و مسئولیت راهبردی دولت در پرتو امنیت محیط زیستی»، *فصلنامه راهبرد، سال بیست‌وپنجم*، ش ۸۱، ص ۱۱۵-۸۹.
۲۸. قاسمی حامد، عباس و خالدی دوبرجی، پری (۱۳۹۱). «مسئولیت خسارت وارده به مصرف‌کننده کالای معیوب یا خطرناک در قوانین و مقررات جاری»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، سال دوازدهم، ش دوم، ص ۱۸۶-۱۶۹.
۲۹. قماش، سعید (۱۳۹۳). *کرامت انسانی و نقش آن در جرم‌نگاری*، چ اول، تهران: میزان.
۳۰. معاونت حقوقی و امور مجلس سازمان تأمین اجتماعی (۱۳۸۳). *قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی: تاریخچه‌ای مختصر از روند شکل‌گیری قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی*، چ اول، تهران: آتیه.
۳۱. رجب‌لاریجانی، مهسا (۱۳۹۶). مطالعه علل جامعه‌شناختی جرایم خشونت، تجاوز و سرقت و آسیب‌های قربانیان آنها، در: گزارش وضعیت افشار آسیب‌پذیر و آسیب‌دیدگان اجتماعی: ۱۳۸۲-۱۳۹۶ (مجموعه مقالات)، ویراستار سعید معیدفر، چ اول، تهران: آگاه.
۳۲. مک‌مالین، کوین (۱۳۹۶). *حقوق ناظر بر مواد غذایی (حق بر غذا) چارچوب‌های داخلی، اروپایی و بین‌المللی*، ترجمه سودابه رضوانی و محبوبه منفرد، چ اول، تهران: میزان.
۳۳. مکیان، سید نظام‌الدین؛ لطفی، عزت‌الله (۱۳۹۴). «علل اقتصادی خودکشی (مطالعه موردی اقتصاد ایران)»، *مجله علمی-پژوهشی سیاست‌گذاری اقتصادی*، سال هفتم، ش ۱۳، ص ۱۸۶-۱۶۳.
۳۴. موحد، مجید؛ عظمت، سها؛ معاون، زهرا (۱۳۹۳). «مطالعه عوامل فرهنگی مرتبط با نگرش نسبت به سقط‌جنین (مطالعه موردی: جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهر شیراز)»، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، ش ۱، ص ۱۱۱-۸۷.
۳۵. موسوی مجاب، سید درید؛ رفیع‌زاده، علی (۱۳۹۴). دامنه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی، *پژوهش‌های حقوق کیفری*، سال چهارم، ش ۱۳، ص ۱۴۷-۱۶۹.
۳۶. میرمجیدی، سپیده؛ حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ فرجیها، محمد؛ امیدی، جلیل (۱۳۹۵). «تحلیل برساخت‌گرایانه فرایند جرم‌انگاری در ایران براساس نظریه واقعیت اجتماعی جرم»، *پژوهش حقوق کیفری*، سال چهاردهم، ص ۱۷۲-۱۴۵.
۳۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۰). «از جرم‌شناسی تا آسیب اجتماعی‌شناسی»، یادنامه شادروان دکتر رضا نوربها، ضمیمه *مجله تحقیقات حقوقی*، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، (۵۶)، ص ۱۰۳۲-۱۰۱۵.
۳۸. ----- (۱۳۹۵). *جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم: دیباچه کتاب دانشنامه جرم‌شناسی*، علی حسین نجفی ابرندآبادی و حمید هاشم بیگی، چ چهارم، ویراست چهارم، تهران: گنج دانش.
۳۹. ----- (۱۳۹۵). *جرم‌شناسی حقوقی (درآمدی بر جرم‌شناسی حقوق کیفری عمومی)*، مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چ دوم، ویراست دوم، تهران: میزان.

۴۰. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، از جرم‌شناسی انتقادی تا جرم‌شناسی امنیتی، تقریرات درس جرم‌شناسی، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، تهیه و تنظیم: سکینه خانعلی‌پور واجارگاه و مهدی قربانی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۱-۹۲. قابل دسترس در: [www.lawtest.ir](http://www.lawtest.ir)
۴۱. ----- (۱۳۹۳)، *درآمدی بر اساسی‌سازی حقوق کیفری*، در: در تکاپوی حقوق عمومی، به کوشش علی اکبر گرجی ازندریانی، چ اول، تهران: جنگل.
۴۲. ----- (۱۳۸۹)، *در باره تحولات جرم‌شناسی*، دیپاچه در: دانشنامه جرم‌شناسی آکسفورد، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، ج ۱، چ اول، تهران: میزان.
۴۳. ----- (۱۳۹۳)، *سیاست جنایی: از مدل‌ها تا جنبش‌ها*، دیپاچه مترجم در: نظام‌های بزرگ سیاست - جنایی، می‌ری دلماس مارتی، چ دوم، تهران: میزان.
۴۴. ----- (۱۳۹۶)، *سیاست جنایی، دانشنامه علوم جنایی اقتصادی*، تهران: میزان.
۴۵. ----- (۱۳۹۶)، *جنایات بین‌المللی و جرم‌شناسی*، دیپاچه در: حمیدرضا نیکوکار، «به کوشش» جرم-شناسی فراملی؛ به سوی جرم‌شناسی جنایات بین‌المللی، چ اول، تهران: میزان.
۴۶. نوبهار، رحیم (۱۳۹۳)، *اصل کاربرد کمیته حقوق کیفری*، در: *حداقل بودن حقوق جزا*، چ اول، تهران: میزان.
۴۷. نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۳)، «*اساسی‌سازی حقوق پیشگیری از جرم در ایران*»، پژوهش‌های حقوق کیفری، سال دوم، ش ۶، ص ۹۱-۱۱۱.
۴۸. هوساک، داگلاس (۱۳۹۰)، *جرم‌نگاری افراطی*، ترجمه محمدتقی نوری، چ اول، تهران: مجد.
۴۹. ----- (۱۳۹۳)، *حقوق کیفری به مثابه آخرین راه‌حل*، ترجمه مهرانگیز روستایی، در: *حداقل بودن حقوق جزا*، حسین غلامی و همکاران، میزان، تهران، چ اول.
۵۰. وان‌هام، فرانسواز (۱۳۹۲)، *آسیب اجتماعی‌شناسی: رشته جدید، توسعه قلمرو جرم‌شناسی؟*، ترجمه سید حسین حسینی و اقبال محمدی، دایره‌المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)، کتاب دوم، چ اول، تهران: میزان.
۵۱. ودادهیر، ابوعلی؛ حسین‌نژاد، فهیمه (۱۳۹۲)، *برساخت اجتماعی جرم و کج‌روی: تأملی جامعه‌شناختی*، رهیافت‌های نوین پیشگیری از جرم، ج ۳، معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم، تهران: انتشارات روان‌شناسی و هنر.

### ب) انگلیسی

52. Brisman, Avi & South, Nigel, (2015). "State-Corporate Environmental Harms and Paradoxical Interventions: Thoughts in Honour of Stanley Cohen", in: *Green Harms and Crimes Critical Criminology in a Changing World*, Edited by Ragnhild Aslaug Sollund, Palgrave Macmillan.
53. Browne, E.,(2015), *Social Protection: Topic Guide*, Birmingham, UK: GSDRC, University of Birmingham.
54. Burton, Rachel, (2013). *Neoliberalism, Social Harm and the Financial Crisis*, Internet Journal of Criminology.
55. Copson, Lynne (2016). *Realistic Utopianism and Alternatives to Imprisonment: The ideology of crime and the utopia of harm*, Justice, Power and Resistance, Vol 1, Article 5, pp.73-96.
56. Croall, H., (2010). "Economic Crime and Victimology: a Critical Appraisal", *Journal International De Victimologie*; 8(2), PP.162-182.
57. Davies, Pamela, Peter Francis and Tanya Wyatt, (2014). "Taking Invisible Crimes and Social Harms Seriously", in: *Invisible Crimes and Social Harms*, Palgrave Macmillan, First published.
58. Dorling, Danny, (2004). "Prime Suspect: Murder in Britain", in: *Beyondcriminology: taking harm seriously / edited by Paddy Hillyard ... [et al.]*.
59. Fagan, Jeffrey, (2008). "Legitimacy and Criminal Justice", *Ohio State Journal of Criminal Law*, Vol 6:123.
60. Garnier QC MP, Edward (2006). "There Is No Consensus on Policy", in: *Does Criminal Justice Work? The 'Right for the Wrong Reasons' Debate*, Edited by Richard Garside and Will McMahon, Crime and Society Foundation.
61. Garside, Richard,(2006). "Right for The Wrong Reasons: Making Sense of Criminal Justice Failure", in: *Does Criminal Justice Work? The 'Right for the Wrong Reasons' debate*, Edited by Richard Garsid & Will McMahon, Crime and Society Foundation.
62. Hall, Matthew, (2013). "Environmental Victims: Challenges for Criminology and Victimology in the 21st Century", *VARSTVOSLOVJE, Journal of Criminal Justice and Security*, no. 4 pp. 371-391.
63. Henry, Stuart (2009). *Social Construction of Crime*, 21st Century Criminology: AReference Handbook / editor, J. Mitchell Miller, SAGE Publications.
64. Hil, Richard and Robertson, Robert Lyle, (2003). *What Sort of Future for Critical Criminology*. Crime,

- Law & Social Change, 39(1). pp. 91-115.
65. Hillyard, Paddy and Steve Tombs, (2005). "Beyond Criminology?", in: *Criminal Obsessions: Why Harm Matters More Than Crime*, Danny Dorling, Dave Gordon, Paddy Hillyard, Christina Pantazis, Simon Pemberton & Steve Tombs, Centre for Crime and Justice Studies King's College London, Second edition.
66. Hopci, Adrian, (2016). *The Zemiology of Psychiatric Medication*, York University Criminological Review, Vol. 1, 43-65.
67. Hopkins Burke, Roger, (2009). *An Introduction to Criminological Theory*, Willan Publishing, Third Edition.
68. Innes, Martin & Charlotte Leigh, (2011). *Mapping and Measuring the Social Arms of Crime and Antisocial Behavior: Toward an Outcomes-Based Approach to Community Safety in Wales*, UPSI, Cardiff University School of Social Sciences, King Edward VII Avenue.
69. Lederman, Daniel, Loayza, Norman & Menéndez, Ana María, *Violent Crime: Does Social Capital Matter?*, First draft: July 1999 This draft: July 2000.
70. Loader, Ian, (2006). "Be Careful What You Wish For", in: *Does Criminal Justice Work? The 'Right for the wrong reasons' debate*, Edited by Richard Garsid & Will McMahon, Crime and Society Foundation.
71. Moore, J M, *Vulnerable Individuals or Harmful Institutions?*, Centre for Crime and Justice Studies, 2014.
72. Pemberton, Simon A., (2016). *Harmful Societies: Understanding Social Harm*, Policy Press.
73. Prialux, Nicky, (2012). *Humanising Negligence: Damaged Bodies, Biographical lives and the Limits of Law*, Adelaide Law Review.
74. Ratcliffe, Jerry H., (2014). *Towards an Index for Harm-Focused Policing*, Policing, Vol 9, No 2, pp. 164-182.
75. Reamer, Frederic G., (2014). "Social Justice and Criminal Justice", in: *Routledge International Handbook of Social Justice*, Edited by Michael Reisch, Routledge.
76. Reiss, Albert J. Jr., (1981). *Towards a Revitalization of Theory and Research on Victimization by Crime*, 72 J. Crim. L. & Criminology 704.
77. Roberts, Rebecca (2011). *The Hall of Mirrors: Criminal Justice Myths Uncovered*, Centre for Crime and Justice Studies.
78. Ruggiero, Vincenzo (2013). "Crime and Punishment in Classical and Libertarian Utopias", in: *Crime, Critique and Utopia*, Palgrave Macmillan, First published.
79. Salmi, Jamil (2004). "Violence in Democratic Societies: Towards an Analytic Framework", in: *Beyond Criminology: Taking Harm Seriously / edited by Paddy Hillyard ... [et al.]*.
80. Stern, Vivien (2007). *Creating Criminals: a Recipe for an Insecure World?*, Centre for Crime and Justice Studies, cjm no. 70 .
81. Tombs, Steve and Dave Whyte (2007). *Safety Crimes*, Willan Publishing, First published.

(ج) سایت‌ها

82. <https://asibha.mcls.gov.ir/fa/filepool/1474/>
83. <https://asibha.mcls.gov.ir/fa/filepool/1499/>
84. <http://vcdf.qums.ac.ir/portal/home/?news>